

برابری قدرت خرید و روشهای تحلیلی بررسی نرخ برابری تعادلی

مقدمه

بررسی روشهای مختلف در تعیین نرخ تعادلی برابری پول ملی نسبت به سایر اسعار، در متن نظامهای مختلف پولی، به منظور رفع عدم تعادل در حسابهای با دنیای خارج، سابقه‌ای طولانی در نظریه‌پردازی و تجربه‌اندوژی علم اقتصاد دارد. یکی از روشهایی که پایه‌های نظری آن در دهه‌های دوم و سوم قرن حاضر گسترش یافت و همواره در مرکز مباحثات و بعضاً مجادلات قرار داشته، روش برابری قدرت خرید، اصطلاحاً PPP می‌باشد. در فاصله بین دو جنگ پس از بحثهای مختلفی که بین دانشمندان اقتصاد در زمینه کاربرد PPP صورت گرفت، تقریباً مشخص شد که کاربرد تئوری PPP در زمینه‌های تجربی، بدلیل عدم اشباع بسیاری از بازارها و در بعضی زمینه‌ها بعلت مرزبندی بازارهای صادراتی و انحصاری بودن حوزه نفوذ پولها، از ضرورت عمده‌ای برخوردار نیست. لذا برای دوده بررسی نظری و تجربی گسترده در این زمینه دچار افول شد.

اولین بررسی تجربی مجدد در این مورد در نیمه دهه پنجاه توسط OECD صورت گرفت. بزودی مشخص گردید که موارد استفاده از شاخص‌های PPP بسیار متعدد است. لذا گروهی از کارشناسان و نیز دفتر آمار سازمان ملل متحد، باین نتیجه رسیدند که علی‌رغم مخالفت‌های سرسختانه بسیاری از محققین اقتصادی با کاربرد این شاخص‌ها از جنبه‌های نظری لازم است که کار تجربی در این زمینه آغاز شود. اینک حدود سی سال است که این شاخصها در سطحی وسیع، در قالب برنامه ICP توسط سازمان ملل متحد و دانشگاه پنسیلوانیا، برای کشورهای مختلف تدوین می‌شود.

از اواسط دهه هفتاد، عمدتاً بدلیل تصمیم کشورهای صنعتی پیشرفته برای انتقال از نظام

- (1) Purchasing Power Parity
- (2) Organization for Economic Cooperation and Development
- (3) International Comparison Programme

برابری ثابت پولها بگونه‌ای سیستم انعطاف‌پذیرتر و سپس به سیستم شناور برابری، کارآیی این شاخصها در تعیین برابری پولها با توجه به متغیرهای اساسی اقتصاد در بلندمدت، از جانب محققین مورد اقبال واقع شد. امروزه استفاده از شاخصهای PPP بسیار وسیع و گسترده می‌باشد و PPP تقریباً یکی از شاخصهای عمده‌ایست که کشورهای صنعتی و سایر کشورها برای برابری پول ملی نسبت باسعار خارجی و نیز تعیین محدوده هدف نوسان پولها، مورد استفاده قرار می‌دهند.

در گزارش حاضر زمینه و ابعاد اساسی شاخص PPP مورد بررسی قرار می‌گیرد و این شاخص در متنی وسیع‌تر بتوان یکی از روشهای تعیین برابری پول ملی در کنار سایر روشها و تحلیلهای معمول، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در سایر قسمت‌های گزارش نقاط ضعف و قوت هر یک از روشها مورد بحث قرار گرفته و گسترش بررسیهای انجام شده با توجه به عوامل مؤثر در تعیین نرخ برابری و با اتکاء به روشهای پیچیده‌تر پیشنهاد گردیده است.

روشهای تحلیلی بررسی نرخ برابری تعادلی

در بررسی و تعیین نرخ برابری تعادلی پول ملی، پنج روش پیشنهاد گردیده است:

۱- روش کششها^۱

۲- روش برابری قدرت خرید

۳- روش جذب^۲

۴- روش ماندل - فلمینگ^۳

۵- روش بازار دارائیهها^۴

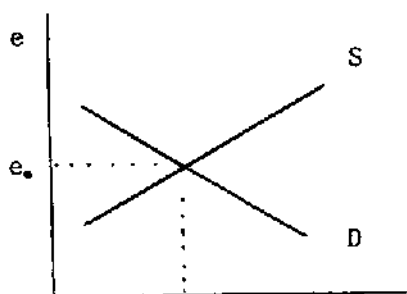
که ذیلاً روشهای مورد اشاره بطور مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- روش کششها:

اگر فرض شود که در یک اقتصاد نقل و انتقال سرمایه‌ای وجود ندارد و نرخ برابری

- (4) The elasticities approach
- (5) Absorption approach
- (6) Mundell - Fleming approach
- (7) Asset market approach

پول کاملاً شناور باشد و بانک مرکزی نیز در بازار مبادله اسعار خارجی با پول ملی دخالتی نداشته باشد، لازم است که برای حفظ تعادل در بازرگانی خارجی کشور، حسابجاری با دنیای خارج در تعادل باشد. این بیان بدان معناست که نرخ رقابتی ارز، نیز مانند قیمت‌های رقابتی کالا و خدمات که باعث برابری عرضه و تقاضا در بازار کالاها و خدمات می‌شود، تعادل را در بازار اسعار خارجی برقرار خواهد نمود. اما برای اثبات وجود چنین تعادلی لازم است که عرضه و تقاضا برای اسعار خارجی شکل معمول منحنی‌های عرضه و تقاضا را داشته باشد (تصویر زیر^۸). تقریباً در ادبیات اقتصادی این مسئله روشن شده است که اگر در



اقتصاد موردنظر زمان کافی برای تعدیل در مقابل تغییرات ناگهانی عوامل برونزا وجود داشته باشد و شرط مارشال لرنر^۹ نیز در اقتصاد صادق باشد، شکل توابع عرضه و تقاضا برای اسعار خارجی، بصورتی خواهد بود که در تصویر فوق آمده است. این موضوع نیز کاملاً روشن است که برای اقتصاد کشورهای صنعتی شرط مارشال - لرنر در میان مدت صادق می‌باشد.

نتیجه‌ای که از بحث فوق می‌توان گرفت آنست که اولاً در هر زمان یک نرخ برابری تعادلی برای پول ملی در بازار اسعار خارجی وجود دارد که حاصل عرضه و تقاضای بازار برای اسعار خارجی در متن کالاها و خدمات قابل تجارت است. ثانیاً هر کشوری با حمایت از برابری برآورد شده بر اساس مبادله کالاها و خدمات در تجارت خارجی، نه تنها می‌تواند اقتصاد خود را در مقابل شوک‌های خارجی به درآمد واقعی یا قیمت‌ها مستمراً تعدیل نماید، بلکه قادر خواهد بود که جایگاه خود را در صحنه تجارت جهانی نیز حفظ نماید. در قالب

(۸) در مورد بحث‌های نظری مربوط به منحنی‌های عرضه و تقاضای مورد اشاره و پیچیدگی استخراج و ترسیم آن به ملحق شماره (۱۷) مراجعه شود.

(۹) Marshall - lerner؛ در مورد شرط مارشال - لرنر به ضمیمه گزارش مراجعه شود.

این مدل نهایتاً حمایت از نرخ‌ی توصیه می‌شود که بر اساس عرضه و تقاضا برای ارز، و در این زمینه عمدتاً بر مبنای کشش‌پذیری تقاضا برای صادرات و واردات، برآورد شده باشد. تحلیل فوق مجموعاً راه‌حل مناسبی برای کشورهای در حال توسعه ارائه نمی‌دهد. زیرا اولاً شرط مارشال - لرنر بدشواری در مورد اقتصاد این کشورها صادق خواهد بود، ثانیاً استدلال شده است که حتی در کشورهای صنعتی، که قیمت کالاها و خدمات در آن بر اساس عرضه و تقاضای بازار تعیین می‌شود، نرخ برآورد شده فوق‌الذکر، در شرایط نبود جابجایی سرمایه در طول زمان، بی‌ثباتی شدید در اقتصاد ایجاد می‌نماید. لذا شرط لازم برای عملکرد کارآ و موثر نرخهای فوق‌الذکر در کشورهای توسعه‌یافته نیز آزادی جابجایی سرمایه می‌باشد. شاید بتوان گفت که این مدل به دهه‌های پنجاه و شصت تعلق دارد، یعنی دوره‌ای که در آن اقتصاد کشورهای مختلف با پدیده‌های پیچیده امروزی نظیر انتظارات، ریسک، عدم اطمینان، مسایل مربوط به نرخهای شناور و انعطاف‌پذیر پس از نیمه اول دهه هفتاد، مواجهه نبوده است و در شرایط امروزی کلاً نمی‌توان نرخ برابری و تغییرات آنرا بر اساس عرضه و تقاضا برای صادرات و واردات تحلیل نمود.

۲- روش برابری قدرت خرید:

روش برابری قدرت خرید در تعیین نرخ ارز، بر هزینه تهیه یک سبد مشخص و مشترک از کالاها و خدمات در دو کشور مختلف استوار است. چنانچه تفاوت الگوی مصرف در دو کشور، مورد اغماض قرار گیرد و هزینه خرید یک سبد مشترک در دو کشور برآورد شود، نسبت هزینه خرید سبد در دو کشور، نرخ تعادلی پول کشورها را بدست می‌دهد. لذا اگر چه در استفاده از روش PPP اصولاً بحث بر محور سبد و مقادیر کالائی و مقایسه هزینه تهیه سبد مشترک در دو کشور قرار دارد، لیکن در عمل به دلیل مشکلات محاسباتی و پیچیدگی‌های مربوط به لزوم موزون نمودن کالاها در سبد مورد مقایسه، روش PPP به روش تعدیل نرخ برابری بر اساس تفاوت شاخص قیمتها (اصطلاحاً PARE گفته می‌شود) تقلیل می‌یابد. حتی در روش اخیر نیز اختلاف قیمت‌ها در دو کشور نه بصورت مطلق نسبت به یکسال پایه مشترک، بلکه بصورت اختلاف نسبی شاخص قیمت‌ها در دو کشور مورد مقایسه در مقابل شاخص قیمت یک کشور مرجع معمولاً به دلار ایالات متحده

آمریکا، ماخذ محاسبات قرار می‌گیرد. مفهوم اخیر درست مثل آن است که گفته شود نرخ برابری پول باید آنگونه تعدیل شود که با یک دلار آمریکا بتوان به مقدار مساوی کالا و خدمت در دو کشور مورد نظر خریداری نمود. با این توضیحات مشخص می‌شود که اولاً روش محاسبه PPP می‌تواند از تعیین سبد مشترک کالاها و هزینه تهیه آن‌ها تا مقایسه شاخص‌های قیمت ادغام شده (شاخص کلی قیمت‌ها) در دو کشور، متفاوت بوده و بتبع آن نتایج حاصل نیز متفاوت باشد. در این قسمت فقط روش کلی محاسبه بر اساس شاخص‌های ادغام شده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اگر P و P^* به ترتیب شاخص قیمت کلی در داخل و خارج باشد، بر اساس روش PPP مطلق^{۱۱} «نرخ تعادلی ارز»، e ، می‌باید از حاصل تقسیم دو شاخص قیمت بدست آید:

$$e = P / P^* \quad (1)$$

روش «PPP نسبی»^{۱۲} بر این دیدگاه استوار است که بدلائل ساختاری نرخ برابری ممکن است نسبت به P / P^* دارای اریب باشد و این دلایل ساختاری می‌تواند نسبت به چارچوب تحلیلی خاص برونزا تلقی شود. لذا اگر π یک عدد ثابت باشد، بر اساس روش PPP نسبی، در واقع برابری ذیل صادق خواهد بود:

$$e = \pi \cdot P / P^* \quad (2)$$

لگاریتم این رابطه از این قرار است:

$$\ln e = \ln \pi + \ln P - \ln P^*$$

و دیفرانسیل اول این رابطه بشرح زیر است:

$$\hat{e} = \hat{P} - \hat{P}^* \quad (3)$$

بعبارت دیگر نرخ کاهش ارزش پول (افزایش ارزش پول) مساویست با تفاضل نرخ تورم داخلی (جهانی) از تورم جهانی (داخلی).

چند مسئله در ارتباط با شاخص PPP بگونه‌ای که شرح آن گذشت، مطرح می‌شود:

(11) Strong Version of PPP

(۱۲) قیمت پول خارجی به پول ملی

(13) Weak Version of PPP

۲-۱- گفته می‌شود در صورتیکه $P > ep^*$ باشد، بدلیل الزام قانون یک قیمت^{۱۵}، بازار داخلی از کالاهای خارجی مملو خواهد شد؛ لیکن دلایل تجربی قوی وجود دارد که مبادله کالاها (صادرات و واردات) معمولاً تا مرز برابری P و ep^* پیش نخواهد رفت.

۲-۲- آنچه با قوت می‌توان بیان نمود و دلایل تجربی قوی در مورد آن وجود دارد، آن است که صحت PPP یک شرط لازم در نیل به تعادل اقتصادی است، اگر چه گفته می‌شود که ضریب π (درفرمول ۲) الزاماً معادل عدد واحد نیست و مقدار آن طی زمان با تغییرات درآمد واقعی سرانه یا مرحله توسعه اقتصادی کشور تغییر می‌نماید.

۲-۳- یکی از دلایل تغییر مرحله‌ای π تغییر نامتوازن کارآئی تولید در فرآیند توسعه در دو کشور فرضی است. گفته می‌شود که عموماً کارآئی تولید در بخشهای صنعت و کشاورزی، که عمدتاً کالاهای قابل تجارت^{۱۶} تولید می‌نماید، نسبت به بخشهای تولیدکننده کالاهای غیرقابل تجارت^{۱۷} (نظیر خدمات و بازرگانی) با سرعت بیشتری افزایش می‌یابد و این به دلیل رقابت فشرده‌ای است که در صحنه بین‌الملل برای نسخیر بازارهای جهانی، در زمینه کالاهای قابل تجارت، وجود دارد.

حال اگر P_T و P_N بترتیب شاخص قیمت کالاهای غیرقابل تجارت و قابل تجارت در داخل کشور باشد و فرض شود که مزد نیروی کار در اقتصاد کاملاً رقابتی است، گفته می‌شود که نسبت (P_N/P_T) در فرآیند توسعه اقتصادی افزایش می‌یابد. اگر P شاخص کلی داخل با اجزای شاخص P_N و P_T و وزنهای α برای P_N و $(1-\alpha)$ برای P_T باشد:

$$P = \alpha P_N + (1 - \alpha) P_T \quad (4)$$

و عیناً همین رابطه با علامت (*) برای اقتصاد رقیب فرض می‌شود:

$$P^* = \alpha P_N^* + (1 - \alpha) P_T^* \quad (5)$$

و نیز فرض می‌شود که اقتصاد داخل نسبت به اقتصاد کشور رقیب در مرحله‌ی پیشرفته‌تری از نظر توسعه اقتصادی قرار دارد، لذا

$$(P_N/P_T) > (P_N^*/P_T^*) \quad (6)$$

(15) Tradeable

(16) Nontradeable

(۱۴) قانون برابری جهانی قیمتها

اگر فرض شود که در صحنه تجارت بین‌الملل \bar{P}_T و \hat{P}_T^* ، باید حتی‌الامکان مساوی باشند، بنابراین

$$P_N > P_N^* \quad (۷)$$

و در نتیجه

$$P > P^* \quad (۸)$$

یعنی شاخص کلی قیمت‌ها در کشور توسعه‌یافته‌تر، با میزان مشخصی افزایش در بهره‌وری تولید، بالاتر خواهد بود از شاخص کلی قیمت‌ها در کشور کمتر توسعه‌یافته، با همان میزان بهره‌وری تولید.

در دهه ۶۰ این پدیده، یعنی $P > P^*$ ، بعنوان یک تناقض روشن علیه تئوری PPP تلقی شد، لیکن بزودی مشخص گردید که کشورهایی نظیر ژاپن با سرعت پیشرفت زیاد، شاخص قیمت‌هایی بسیار بالاتر از شاخص قیمت طرف‌های عمده تجارت خود، نظیر آمریکا را تجربه می‌کنند. در اینگونه کشورها غالباً شاخص قیمت خرده‌فروشی بدلیل افزایش قابل توجه قیمت نسبی کالاهای غیرقابل تجارت افزایش پیدا می‌کند و افزایش اخیر نیز عمدتاً بدلیل افزایش قابل ملاحظه بهره‌وری در بخش تولید کالاهای قابل تجارت صورت می‌گیرد. اگر در همان شرایطی که شاخص قیمت خرده‌فروشی در ژاپن با سرعت بالا در حال افزایش بود به شاخص قیمت کالاهای صادراتی این کشور توجه می‌شد، مشخص می‌گردید که این شاخص نسبت به کشورهای رقیب آن نظیر آمریکا با در حال کاهش و با سرعت کمتری در حال افزایش، بوده است. در ادبیات اقتصاد توسعه و رابطه توسعه و تجارت روشن شده است که این پدیده یکی از ویژگیها و بعضاً یکی از شرایط لازم توسعه اقتصادی است. امروزه می‌توان این پدیده را در کشورهایی نظیر ترکیه، که در عین تجربه شاخص قیمت‌های بسیار بالا موضع رقابتی خود را در صحنه تجارت جهانی نیز حفظ نموده‌اند، مشاهده نمود.

۲-۴- اگر رشد شاخص قیمت کالاهای قابل تجارت در کشور رقیب \hat{P}_T^* و نرخ رشد بهره‌وری در بخش تولید کالاهای قابل تجارت اقتصاد داخلی β باشد، میتوان انتظار داشت که نرخ رشد مزد در بخش تولید کالاهای قابل تجارت در داخل کشور از رابطه زیر بدست آید:

$$\hat{W} = \hat{P}_T^* + \beta \quad (۹)$$

حال با فرض آنکه رشد بهره‌وری در بخش تولید کالاهای غیرقابل تجارت صفر باشد و از طرفی بازار نیروی کار کاملاً رقابتی عمل کند:

$$\hat{P}_N = \hat{W} \quad (10)$$

اگر وزن شاخص کالاهای غیرقابل تجارت و قابل تجارت در شاخص کلی P ، بترتیب α و $(1 - \alpha)$ باشد، نرخ تورم از فرمول ذیل حاصل خواهد شد (دیفرانسیل فرمول ۴):

$$\hat{P} = \alpha (\hat{P}_T^* + \beta) + (1 - \alpha) \hat{P}_T^* \quad (11)$$

$$= \hat{P}_T^* + \frac{\alpha}{1 - \alpha} \cdot \beta$$

یعنی تورم داخل معادل است با تورم جهانی بعلاوه ضریبی از نرخ رشد بهره‌وری. باین ترتیب برخلاف آنچه که قبل از توسعه نظری PPP تصویر می‌شد، رشد بالاتر بهره‌وری، نرخ تورم بالاتری را نیز همراه دارد. همانطور که گفته شد برقراری نوعی PPP نسبی در اقتصاد شرط لازم تعادل اقتصادی است و تصریح گردید که ضریب π (فرمول ۲) طی زمان بر اساس درصدی از رشد نسبی بهره‌وری تغییر می‌نماید (قسمت ۲-۲ و فرمول ۱۳)

$$e = \pi \cdot P/P^*$$

$$1ne = 1n\pi + 1nP - 1nP^*$$

$$1ne + 1nP^* = 1n\pi + 1nP$$

دیفرانسیل رابطه فوق بقرار زیر است:

$$\frac{1}{P^*} \cdot dP^* = \frac{1}{\pi} \cdot d\pi + \frac{1}{P} \cdot dP \quad (12)$$

$$\hat{P}^* = \hat{\pi} + \hat{P}$$

$$\hat{\pi} = \hat{P}^* - \hat{P}$$

روابط زیر نیز از فرمول (۱۱) بدست آمده است:

$$\hat{P} = \hat{P}_T^* + \alpha \cdot \beta$$

$$\hat{P}^* = \hat{P}_T^* + \alpha \cdot \beta^*$$

که با جایگزینی در (۱۲):

$$\begin{aligned} \hat{\pi} &= \hat{P}_T^* + \alpha \cdot \beta^* - \hat{P}_T^* - \alpha \cdot \beta \\ &= \alpha (\beta^* - \beta) \end{aligned} \quad (13)$$

حال اگر از لگاریتم رابطه $e = \pi \cdot P/P^*$ دیفرانسیل اول گرفته شود:

$$\hat{e} = \hat{P} - \hat{P}^* + \hat{\pi} \quad (14)$$

$$\hat{e} = \hat{P} - \hat{P}^* + \alpha (\beta^* - \beta) = \hat{P} - \hat{P}^* - \alpha (\beta - \beta^*)$$

این فرمول بیان می‌کند که برای نیل به شرایط تعادلی، کاهش ارزش پول ملی، فقط در صورتی می‌تواند کمتر از تفاوت نرخ رشد شاخص قیمت‌ها باشد که رشد بهره‌وری در گروه کالاهای قابل تجارت در داخل بیش از رشد همین متخیر در اقتصاد رقیب باشد. در حالت عکس یعنی در صورتیکه بهره‌وری در اقتصاد ملی نسبت به دنیای خارج در حال انول باشد (یا رشد آن کمتر از رشد مزبور در دنیای خارج باشد) کاهش ارزش پول می‌باید بمیزانی صورت بگیرد که نه فقط تفاوت نرخ رشد شاخصهای قیمت، بلکه تفاوت نرخ رشد بهره‌وری تولید را نیز پوشش دهد.

با تمام این تفصیلات باید اذعان نمود که تئوری PPP بر پایه فرضیه پول خنثی استوار است و در شرایطی که نرخ برابری تعادلی بر اثر شوکهای پولی بهم خورده باشد، بهترین راهنمای عمل برای رجعت به تعادل است. در حالتی که شوکهای مزبور واقعی باشد (ونه پولی)، نظیر کاهش قیمت نفت، نتیجه رابطه مبادله بازرگانی بزبان کشور تغییر خواهد نمود و کسری در موازنه پرداخت‌های کشور بروز خواهد کرد. در این صورت روش PPP راهگشائی ندارد، زیرا در این حالت یا می‌باید کاهش درآمدهای واقعی را پذیرا شد و یا ارزش پول را بصورت واقعی (نسبت به سال پایه و در سال پایه - تجمعی) و نه فقط بصورت اسمی کاهش داد.

حالت اخیر درست و ضمیمت اقتصاد ایران را بین سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۶۸ تصویر می‌نماید. می‌توان تصور کرد که سال ۵۳ از نظر نرخ ارزی یک سال تعادلی بوده و لذا برای برآورد نرخ تعادلی سال ۱۳۶۸ باید تفاوت نرخ نورم داخل و خارج را (و احتمالاً تفاوت نرخ رشد بهره‌وری) بر برابری سال ۱۳۵۳ موثر نمود. تا این مرحله از محاسبات نتیجه

رابطه مبادله و روند آن طی دوره مورد اشاره در محاسبات دخیل نبوده است. اگر پذیرفته شود که طی دوره مورد اشاره نتیجه رابطه بشدت بزبان کشور تغییر نموده و حجم دلارهای وصولی واقعی سال ۱۳۶۸ نسبت بسال ۱۳۵۳ بشدت تقلیل یافته است، آنگاه سال ۱۳۵۳ سال مناسبی بعنوان سال پایه نیست، زیرا از نظر مثبت بودن نتیجه رابطه مبادله بسیار متفاوت از سال ۱۳۶۸ بوده است. بعبارت دیگر تغییر شدید نتیجه رابطه مبادله، ساختار اقتصاد کشور را نسبت به سال ۱۳۵۳ (سال پایه) بشدت بهم زده است و فرض تعادلی بودن روابط بی‌معنا خواهد بود. تئوری PPP محدوده استفاده مشخصی دارد و برای حالت‌هایی کاربرد دارد که شوک‌های وارده باقتصاد پولی باشد. لذا در کاربرد این تئوری برای تعیین نرخ برابری تعادلی پول ملی باید نهایت دقت و احتیاط را معمول داشت.

۳- روش جذب:

تحلیل نرخ برابری پول ملی نسبت باسعار خارجی یا بررسی تغییرات نسبی آن بر مبنای روش جذب پس از جنگ دوم جهانی توسعه یافته است. بر اساس این تحلیل سیاست کاهش ارزش پول ملی نسبت بسایر اسعار به تنهایی باعث بهبود مستمر تراز بازرگانی خارجی کشوری که ارزش پول ملی خود را کاهش می‌دهد، نخواهد شد، مگر آنکه کاهش ارزش همراه با سیاستهای انقباضی پولی و مالی اتخاذ شود. این برداشت بسهولت از چارچوب حسابداری اقتصاد کینزی حاصل می‌شود که بر اساس آن تراز بازرگانی کشور از تفاضل مصرف داخلی و تولید داخلی بدست می‌آید. رابطه زیر این برابری را نشان می‌دهد:

$$Y = C + G + I + X - M$$

$$= C + G + I + TB$$

(۱۵)

$$TB = Y - (C + G + I)$$

$$= Y - A$$

در رابطه (۱۵)، Y, I, G, C, X, M بترتیب تولید ناخالص داخلی، مصرف خصوصی، مصرف دولت، تشکیل سرمایه، صادرات و واردات است. همچنین $(X - M) = TB$ تراز بازرگانی خارجی کشور و $A (= I + G + C)$ جذب داخلی است. از رابطه (۱۵) مشهود است که کسری در تراز بازرگانی کشور زمانی بروز می‌کند

که مصرف داخلی (جذب) بر تولید داخلی پیشی گرفته باشد، یا عبارتی واردات بیش از صادرات باشد. لذا سیاست کاهش ارزش پول ملی فقط در صورتیکه بگونه‌ای باعث کاهش نسبی جذب (نسبت به درآمد یا تولید) یا افزایش نسبی تولید (نسبت به جذب) شود، نواز بازرگانی خارجی کشور را بهبود خواهد بخشید. عبارت دیگر برای اثربخشی سیاست کاهش ارزش پول نسبت بسایر اسعار می‌باید افزایش (کاهش) درآمدها (هزینه‌ها) بیش از افزایش (کاهش) هزینه‌ها (درآمدها) باشد و چنین تحولی با سیاست کاهش ارزش پول به تنهایی حاصل نمی‌شود.

تغییرات رابطه (۱۵) را می‌توان بصورت زیر نوشت:

$$\Delta(TB) = \Delta Y - \Delta A \quad (16)$$

بر مبنای تحلیل منتج از رابطه عملکردی فوق، تغییرات جذب داخلی (ΔA) هم بدلیل تغییرات در Y که بدنال کاهش ارزش پول حاصل شده، ایجاد می‌شود (اثر القایی، هزینه در ثنوری اقتصاد کینز) و هم بدلیل تغییر مستقل در اجزاء متشکله جذب داخلی، A_d (سرمایه‌گذاری و مصرف مستقل) که می‌توان آنرا اثر مستقیم، یا مولفه مستقل نامید. اثر اول را می‌توان با ΔY نشان داد که در آن c میل نهائی به مصرف یا میل نهائی به جذب می‌باشد، لذا:

$$\begin{aligned} \Delta A &= c \cdot \Delta Y + \Delta A_d \\ \Delta(TB) &= \Delta Y - c \cdot \Delta Y - \Delta A_d \\ &= (1-c) \Delta Y - \Delta A_d \end{aligned} \quad (17)$$

بر اساس رابطه فوق کاهش ارزش پول ملی از دو طریق برتر از بازرگانی اثر می‌گذارد. اول از طریق تغییر درآمد و سپس اثر مستقیم بر جذب. تأثیر کاهش ارزش پول بر درآمد از طریق افزایش تقاضا برای صادرات و یا افزایش تقاضا برای جایگزینی واردات، افزایش عرضه را ایجاد خواهد نمود. بحث اساسی طرفداران این نظریه از اینقرار است که افزایش عرضه فقط در صورتی بدنال کاهش ارزش پول ملی عینیت پیدا می‌کند که ظرفیت تولیدی اضافی در اقتصاد ملی موجود باشد، در غیر اینصورت می‌باید کاهش بمیزان مقتضی در جذب داخلی ایجاد شود، والا سیاست کاهش ارزش پول سیاست عقیمی خواهد بود.

رابطه (۱۷) نشان می‌دهد در صورتیکه اقتصاد ملی، قبل از کاهش ارزش پول در حالت اشتغال کامل باشد، افزایش تقاضای خارجی برای تولیدات داخلی (بدنبال کاهش ارزش پول ملی) باعث افزایش Y نخواهد شد. لذا نمی‌توان با قطعیت ادعا نمود که کاهش ارزش پول باعث بهبود تراز بازرگانی خارجی کشور خواهد شد. نتیجه‌گیری کلی از این نظریه بدین‌قرار است که چنانچه سیاست کاهش ارزش پول در شرایط اشتغال کامل در اقتصاد اتخاذ شود، این سیاست می‌باید با سیاستهای انتخابی و مشخص دیگری در زمینه تحدید تقاضا همراه شود تا بهبود تراز بازرگانی را بدنبال داشته باشد. اغلب سیاستهای تثبیت اقتصادی که در قالب آن کاهش ارزش پول ملی بعنوان جزئی از یک مجموعه هماهنگ از سیاستهای انقباضی پولی و ضدتورمی مالی تجویز می‌شود، از این تحلیل مشخص سرچشمه می‌گیرد.

۴- روش ماندل - فلمینگ:

خطوط کلی توسعه این تحلیل نظری تقریباً همزمان در دهه ۶۰ توسط دو اقتصاددان فوق‌الذکر شکل گرفته است. اساس این تئوری را می‌توان بگونه‌ای تحلیل پولی تراز پرداخت‌ها یا بعبارتی تحلیل پولی نرخ تبدیل تلقی نمود. این تحلیل اساس کار را بر تراز پرداخت‌ها قرار می‌دهد که می‌باید بطور کلی همواره در تراز باقی بماند (برخلاف روش ۱ و ۳ که بر مبنای آن موازنه مزبور در حسابجاری تراز پرداخت‌ها بررسی می‌شود). در این تئوری عامل تعیین‌کننده تراز حساب جاری، در آمد ملی و قیمت‌های نسبی کالاها است، که با یک برنامه تعدیل بر اساس تحلیل نئوکلاسیک اقتصاد حاصل می‌شود. نرخ برابری پول انعطاف‌پذیر است و بمیزان کسر حسابجاری، ورود سرمایه بداخل وجود خواهد داشت، بدون آنکه تغییری در سطح ذخایر خارجی بوجود آید. نرخ بهره در دو کشور موردنظر، در تئوری ماندل - فلمینگ نقش اساسی را ایفا می‌نماید، زیرا که بر اساس مفروضات تئوری، نرخ بهره در هر یک از کشورها تعیین‌کننده هزینه پول و ایضاً عامل انتخاب و نگهداری دارائیه‌ها در هر یک از کشورها است.

صرفنظر از جنبه‌های نظری، در این تئوری بخشی از بار ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها بر عهده نرخ بهره، برای جابجائی سرمایه و تامین کسری حساب جاری، واگذار می‌شود. عبارت دیگر بر خلاف روش ۱ که بار تعدیل را بطور مطلق بر نرخ برابری پول و ایضاً بر

خلاف روش ۲ که بار تعدیل را بالمناصفه بر نرخ برابری پول و تعدیل قیمت‌های داخلی فرار می‌دهد، تئوری ماندل - فلمینگ، بار تعدیل را بر نرخ برابری پول و نرخ بهره واگذار می‌کند و در صورتیکه این تئوری با تحلیل نظری نئوکلاسیک اقتصاد ممزوج شود (تحلیل صندوق بین‌المللی)، می‌توان گفت که در واقع بار تعدیل بر نرخ برابری پول، نرخ بهره و قیمت‌های داخلی سرشکن می‌شود. لذا تئوری اخیر در واقع کارآئی تئوریا و روشهای قبلی را در خود مستتر دارد و آن تئوری‌ها را بعنوان حالت‌های خاص در بر می‌گیرد.

یک حالت از تئوری ماندل در رابطه با نرخ برابری انعطاف‌پذیر^{۱۷} و تئوریهای پولی وجود دارد که بر اساس آن و در صورت صحت کامل PPP، موضوع نرخ برابری پول ملی نسبت بسایر اسعار یک پدیده پولی تلقی می‌شود. در اینحالت و با فرض روش PPP مطلق $(e = P^*/P)$ برای اقتصاد داخل و اقتصاد رقیب بترتیب فرمولهای ذیل صادق خواهد بود (تئوری مقداری پول):

$$\frac{M \cdot V = P \cdot Y}{M^* \cdot V^* = P^* \cdot Y^*} \quad (18)$$

که در آن M حجم پول V گردش پولی، P سطح عمومی قیمتها و Y درآمد واقعی است. در صورت معتبر بودن روش PPP مطلق:

$$e = P/P^* = \frac{M \cdot V / Y}{M^* \cdot V^* / Y^*} \quad (19)$$

$$= M_i / M_i^* \cdot V / V^* \cdot Y^* / Y$$

شکل عملکردی^{۱۸} این رابطه را می‌توان از دیفرانسیل اول رابطه (18) استخراج نمود:

$$M \cdot V = P \cdot Y$$

$$V \cdot dM + M \cdot dV = P \cdot dY + Y \cdot dP$$

چنانچه طرفین این تساوی بر $(MV = PY)$ تقسیم شود:

$$dM/M + dV/V = dY/Y + dP/P \quad (20)$$

$$\hat{M} + \hat{V} = \hat{Y} + \hat{P}$$

$$\hat{M} + \hat{V} = \hat{Y} + \hat{P}$$

و عیناً همین رابطه برای کشور رقیب صادق است.

حال اگر نظیر رابطه (۳) بجای بحث در مورد مطلق رقم‌ها (روابط ساختاری) روی تغییرات (روابط عملکردی) تاکید شود، رابطه زیر حاصل می‌شود:

$$\begin{aligned}\hat{e} &= \hat{P} - \hat{P}^* \\ &= \hat{M} + \hat{V} - \hat{Y} - \hat{M}^* - \hat{V}^* + \hat{Y}^* \\ &= (\hat{M} - \hat{M}^*) + (\hat{V} - \hat{V}^*) - (\hat{Y} - \hat{Y}^*)\end{aligned}\quad (21)$$

و با فرض $(\hat{V} - \hat{V}^*) = 0$ که بهر حال موضوعی بحث‌انگیز خواهد بود رابطه زیر بدست می‌آید:

$$\hat{e} = (\hat{M} - \hat{M}^*) - (\hat{Y} - \hat{Y}^*) \quad (22)$$

هم اینک تحلیل ماندل - فلمینگ در زمینه تراز پرداخت‌ها، در کنار یک تحلیل شوک‌کلاسیک در مورد اقتصاد داخلی کشورها، مجموعه مبانی نظری «سیاست‌های تعدیل همراه با رشد» صندوق بین‌المللی پول را تشکیل می‌دهد. این سیاست برای کشورهایی که: ۱- در آنها پتانسیل اقتصادی وجود داشته باشد، و ۲- صندوق در بسیج منابع ارزی و تامین نیازهای ارزی آنها در میان مدت تا ایجاد اقبال و اعتماد عمومی و پایان مرحله تعدیل موفق باشد، کارآئی قابل توجهی دارد. اگر چه در مورد بسیاری از کشورها، سیاست‌های صندوق با شکست روبرو شده است، لیکن در موارد متعددی نیز این سیاست‌ها موفقیت خوبی داشته است. شاید بتوان گفت که تحلیل و سیاست فوق‌الذکر تا حدود زیادی در صورت امکان کمک مالی به کشور موردنظر در میان‌مدت موفق خواهد بود، زیرا کشورهایی که برای تعدیل اقتصادی به سیاست‌های صندوق متوسل می‌شوند، عموماً کشورهایی هستند که بمقدار قابل توجهی عدم تعادل ساختاری در اقتصاد کشور خود انباشت نموده‌اند و آثار و عوارض منفی این عدم تعادل ساختاری با سرعت پائین فانکسیونل، که مشخصه دوران رکود است، بسیار کمتر از آثار منفی واقعی فرصت بروز و ظهور دارد. نمونه‌های موفق سیاست‌های صندوق عبارتند از کره جنوبی، اسپانیا، ترکیه و نمونه‌های شکست خورده، آرژانتین، اروگوئه و بسیاری از دیگر کشورهای آمریکای لاتین.

۵- روش بازار دارائیهها:

در این روش، پول عمدتاً بعنوان یک دارائی تلقی می‌شود. بحث پیرامون این روش غالباً به دلیل نارسائیهای عملی روش PPP مطرح شده است. کاربرد روش PPP در بعضی از کشورهای آمریکای جنوبی، عمدتاً بدلیل سفته‌بازی^{۲۰} مایوس‌کننده بوده است، زیرا که انتظارات منفی در مورد نرخ پول ملی و اتکاء دولت‌ها به نرخ تعادلی متأثر از PPP باعث گران^{۲۱} شدن پول ملی گردیده است. گران بودن پول ملی از طرفی واردات کالا توسط بخش خصوصی را ترغیب می‌نماید و از طرف دیگر باعث خروج عظیم سرمایه از کشور می‌شود و تمام این تحولات در شرایطی صورت می‌گیرد که دولت‌ها ناچاراً باید کسر حسابها را از طریق قرضه خارجی تامین نمایند. ادامه این وضعیت در نهایت منجر به تملک قابل توجه کالاها و دارائی‌های خارجی توسط بخش خصوصی و بار گران بدهیهای خارجی توسط دولت خواهد شد.

باینترتیب موضوع انتظارات و جریان سرمایه‌های اخلاص‌گرا^{۲۲} می‌تواند فی‌نفسه باعث انحراف نرخ واقعی برابری پول از میزانی شود که شاخص‌های اساسی بازار کالا هدایت‌گر آن هستند (PPP). در حالت اخیر نرخ برابری پول بیش از آنچه تحت تاثیر سطح عمومی قیمت‌ها در داخل و خارج باشد، از روندهای حاکم بر بازار دارائیهها و ایجاد انتظارات تاثیر می‌پذیرد.

در تحلیل اخیر، پول نقش دارائی را دارد و قیمت نسبی آن، نرخ تبدیل اسمی آن می‌باشد و دارنده پول در انتخاب بین پول ملی یا ارز نه تنها به نرخ بازده پول، بلکه بر انتظارات مربوط به نوسان برابری پول نظر دارد. مدلهای نظری و تجربی متکی باین تحلیل بسیار پیچیده است. یک حالت ساده از این مدل به گونه‌ای به مدل ماندل - فلمینگ نزدیک است. در این برداشت صاحبان سرمایه‌های مالی نه تنها به نرخ بهره اسمی روی پول ملی و ارز خارجی توجه دارند، بلکه احتمال و انتظار افزایش ارزش یک پول نسبت به پول دیگر را نیز مدنظر قرار می‌دهند. اگر i و i^* به ترتیب نرخ بهره در داخل و خارج باشد و c کماکان نرخ تبدیل پول:

$$i = i^* + E(\hat{e})$$

(۲۳)

(20) Speculation

(21) Overvalue

(22) Destabilizing

نرخ بهره پول ملی مساویست با نرخ بهره در خارج بعلاوه نرخ محتمل کاهش ارزش پول. این نحوه برخورد با مسئله، موضوع عدم اطمینان و ریسک را وارد تحلیل می‌کند و لذا لازم است که فرضیه جدیدی در مورد چگونگی شکل‌گیری انتظارات ارائه شود. بطور سنتی در اقتصاد فرض می‌شود که مقادیر تجربی گذشته هر متغیر، انتظارات در زمینه مقادیر دوره‌های آینده آن را شکل می‌دهد. نحوه فرموله کردن انتظارات مربوط به تغییرات آتی نرخ برابری در این بررسی، به تحلیل‌های متفاوتی از نرخ برابری منجر می‌شود. در مجموع راه‌حل‌هایی که بر اساس این تحلیل ارائه می‌شود، به نحوه فرموله نمودن انتظارات در آن بستگی دارد. برداشت‌های مختلفی که از این مدل ارائه شده است بنحو بسیار بارزی تغییرات بیش از حد^{۲۳} نرخ برابری پول ملی را نسبت به هدایت‌گری PPP در هر زمان بخوبی توضیح می‌دهد. این تلقی و تحلیل از عوامل موثر در تعیین نرخ برابری پول یا عبارتی ورود عامل انتظارات و پیش‌بینی‌ها باعث گردیده که امروزه در تحلیل‌های متکی بر شاخص PPP احتیاط بیشتری بعمل آید و بهمین دلیل است که در استفاده از شاخص PPP معمولاً بجای تعیین «نرخ برابری هدف»^{۲۴} محدوده نوسان برابری پولها^{۲۵} بعنوان هدف انتخاب می‌گردد و دولتها متعهد می‌شوند که با دخالت‌های بموقع، انتظارات اخلال‌گراانه بازار را خنثی نمایند.

نتیجه رابطه مبادله بازرگانی

تعدیل حسابهای دنیای خارج از جمله مسائل مهم در محاسبات ملی تلقی می‌شود. حسابهای دنیای خارج سیستم محاسبات ملی واسطه بین حسابهای ملی و حساب تراز پرداخت‌های کشور می‌باشد. در حالیکه در بررسی نتایج محاسبات ملی و تحلیل‌های اقتصادی، تعدیل جاری به ثابت ارقام خاصی از حسابهای دنیای خارج در ارتباط با جداول حسابهای ملی اجتناب‌ناپذیر است، انجام چنین تعدیلهایی در حساب تراز پرداخت‌ها ابدأ ضروری نیست. دو قلم عمده از اجزاء بخشهای تقاضای نهائی اقتصاد، صادرات و واردات کالاها و خدمات است که خالص آن در جداول حسابهای ملی انعکاس پیدا می‌کند. بطور کلی رابطه زیر بین متغیرهای اساسی حسابهای ملی از روش هزینه برقرار می‌باشد و غالباً این

(23) Overshooting

(24) Target rate

(25) Target zone

رابطه یک رابطه حسابداری تعریف شده است:

$$GDP=C+I+X-M \quad (24)$$

که در آن X, I, C, GDP و M بترتیب تولید ناخالص داخلی، هزینه‌های نهائی (خصوصی و دولتی)، تشکیل سرمایه ناخالص، صادرات و واردات کالاها و خدمات می‌باشد. در تعدیل اقلام فوق‌الذکر از قیمت‌های جاری به ثابت غالباً شاخص‌های P_c, P_k, P_e و P_i بترتیب برای M, X, I, C مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت (GDP_c) حاصل برابری ذیل خواهد بود:

$$GDP_c = C/P_c + I/P_k + X/P_e - M/P_i \quad (25)$$

و تولید ناخالص داخلی دارای یک شاخص قیمت (ضمنی) هارمونیک (P_{GDI}) خواهد بود که معکوس آن از تقسیم رابطه (25) بر (24) حاصل می‌شود:

$$\begin{aligned} \frac{1}{P_{GDI}} &= \frac{GDP_c}{GDP} = \frac{C/P_c + I/P_k + X/P_e - M/P_i}{C+I+X-M (=GDP)} \\ &= W_c (1/P_c) + W_i (1/P_k) + W_x (1/P_e) - W_m (1/P_i) \quad * \end{aligned}$$

همانطور که ملاحظه می‌شود در برابریهای GDP به قیمت‌های جاری و ثابت، خالص صادرات کالاها و خدمات $(X-M)$ یکی از اقلام GDP را تشکیل می‌دهد که می‌توان آنرا بصورت زیر نوشت:

$$N = X - M \quad \text{جاری}$$

$$\frac{*}{N} = X/P_e - M/P_i \quad \text{ثابت}$$

بحث اساسی که در زمینه نتیجه رابطه وجود دارد، ازاینفرار است که: ۱- شاخص قیمت منفی معنا و مفهوم ندارد و نمی‌توان شاخص مشخصی برای تعدیل جاری به ثابت «خالص صادرات» در نظر گرفت. لذا خالص صادرات کالاها و خدمات به جاری و ثابت

* W ها وزن اجزاء تولید ناخالص داخلی از کل است و $\sum_i W_i = 1$ است.

(N و \dot{N}) می‌باید از نظر جبری هم علامت باشند تا شاخص ضمنی خالص صادرات مثبت شود. و ۲- بطور کلی در تجارت خارجی کشورها با یکدیگر بررسی قدرت خرید واقعی ارز حاصل از صادرات کالاها و خدمات یا بیعاری بررسی ادواری میزان واردات در مقابل میزان مشخصی از صادرات دارای اهمیت فوق‌العاده است.

برای محاسبه و برآورد نتیجه رابطه مبادله بازرگانی معمولاً سه روش گیری^{۲۶} استوول^{۲۷}، کورییس - کورابایاشی^{۲۸} پیشنهاد شده است^{۲۹}. اگر چه در زمینه‌های فنی و محاسباتی کارهای بسیار گسترده‌ای در مورد نتیجه رابطه مبادله انجام شده است، لیکن به لحاظ نظری و مفهومی و نیز از نظر ارتباط بردو باخت حاصل از تغییر نتیجه رابطه مبادله با سایر متغیرهای اساسی اقتصاد، مسائل عدیده‌ای مطرح می‌باشد.

بطور کلی در ادبیات اقتصادی تغییر نتیجه رابطه مبادله یک شوک واقعی به اقتصاد تلقی می‌شود نظیر افزایش جمعیت و پیشرفت تکنولوژی. اگر این تلقی پذیرفته شود می‌توان ادعا نمود که آثار اقتصادی حاصل از تغییر رابطه مبادله در ارقام جاری (flow) حسابها منعکس نمی‌شود، گرچه نتیجه حاصل از این تغییر در اقتصاد ملموس می‌باشد. تغییر در نتیجه رابطه یک تغییر اساسی در ساختار اقتصاد ایجاد می‌نماید لیکن روابط حاکم بر اقتصاد را تغییر نمیدهد. با این تعبیر شاید بتوان گفت نتایج حاصل از بررسی تغییر نتیجه رابطه مبادله (بردیا باخت اقتصادی) در واقع مکمل روشهایی خواهد بود که برای برآورد نرخ برابری پول ملی نسبت بسایر اسعار مورد بررسی قرار گرفته است.

بهر صورت موضوع نحوه ادغام تغییرات حاصل از نتیجه رابطه مبادله بازرگانی در محاسبات مربوط به تعیین نرخ تعادلی را می‌توان باز تلقی نمود و بررسیهای بیشتری در این زمینه بعمل آورد.

بررسی نتایج

در بخشهای گذشته پنج روش تحلیل نظری در زمینه نرخ برابری تعادلی مورد بررسی قرار گرفت. صرفنظر از قدمت نظری این تحلیل‌ها، بنظر می‌رسد که ارزش تحلیلی و

(26) Geary

(27) Stuvell

(28) Courbis - Kurabayashi

(۲۹) برای بررسی دقیق نحوه محاسبه این شاخص به ماخذ شماره (۸) مراجعه فرمائید.

کاربردی این روشها بترتیبی است که مورد بررسی قرار گرفته است. یعنی در روش (۵) که متکی بر بررسی نرخ ارز با توجه به تنوری بازار دارائیهاست، موضوع در قالب نظری بسیار پیچیدهتر و تصویر بسیار واقع بینانهتری مورد بررسی قرار گرفته است تا روشهای قبل از آن. بعضی از روشهای مورد اشاره که طرح آنها از نظر زمانی متاخر بوده است، روشهای دیگر را بمنوان حالات خاص در شمول خود دارند. بمنوان مثال در صورتیکه در روش متکی بر بازار دارائیهها، شکل گیری انتظارات ایستا باشد، انتظارات مربوط به \hat{e} در آینده همانی خواهد بود که در حال حاضر حاکم است.

$$E(\hat{e}) = \hat{e}$$

ولذا فرمول (۲۳) به فرمول ذیل تقلیل می یابد که یکی از برداشت های متکی بر تحلیل ماندل - فلمینگ است.

$$\hat{e} = i - i^*$$

با اندکی اغماض می توان گفت که در استفاده از مدلهای متکی بر تحلیل حسابجاری (روش ۱ و ۳) فقط کالاها و خدمات مورد مبادله در تجارت خارجی و در کاربرد روش PPP کل کالاها و خدمات، قابل تجارت و غیرقابل تجارت، در برآورد نرخ تعادلی موردنظر قرار می گیرد. روش ماندل - فلمینگ مسئله را در متنی وسیع تر، یعنی با توجه به جابجائی سرمایه و حجم پول، بررسی می نماید و روش بازار دارائیهها اصولاً با پول بر خوردی بمنوان یک دارائی دارد که عرضه و تقاضا برای انواع آن، در مقایسه ای تطبیقی بین پولهای مختلف، با توجه به درآمد نسبی پول موردنظر و میزان ریسک آن از نظر تغییر محتمل برابری، تعیین می شود. روش اخیر موضوع انتظارات و پیش بینی های مربوط به نرخهای آتی را در محاسبات وارد می کند.

مجموعه تحلیلهای فوق الذکر در صورت پیاده شدن دقیق در زمینه اقتصاد موردنظر، با توجه به ساختار و کلیه روابط حاکم بر اقتصاد، تا حدود قابل توجهی تحولات حاکم بر بازار ارز را به لحاظ نظری، توجیه می نماید. اشاره شد که در گروه کشورهای صنعتی پیشرفته،

حاصل این تحلیلها به تدوین مجموعه‌ای از سیاستهای مالی و پولی منجر شده است که در قالب آن محدوده عمل برای هر عضو تا حدود قابل توجهی مشخص است و در درون محدوده، آزادی عمل برای هر عضو محفوظ است و بمنظور تامین حمایت جمعی از آزادی عمل اعضاء محدوده هدف نرخ اسعار تعیین گردیده که حمایت از آن وظیفه کلیه اعضاء است.

در مورد کشورهای در حال توسعه وضعیت تا حدود قابل توجهی متفاوت است. می‌توان گفت که یک تفاوت عمده بین کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه، ضعف کشورهای در حال توسعه در ابزارسازی برای اجرای سیاستهای اقتصادی است. در کشورهای پیشرفته تئوری راهنمای سیاست گذاری است، در کشورهای در حال توسعه اجرای سیاستها بر مبنای تحلیلهای نظری همواره مشکلات خاص خود را دارد و در اغلب کشورهای در حال توسعه استفاده از ابزارهای موثر اقتصادی به دلایل اجتماعی با مشکلات فراوانی همراه است و تقریباً دولت‌ها در استفاده از اینگونه ابزارها بطور نسبی عقیم می‌شوند. لذا شاید بتوان در مجموع ادعا نمود که مشکل کشورهای در حال توسعه در درجه اول مشکل اجرایی است و در درجه دوم مشکل این گروه از کشورها به ضعف آنها در طراحی و اجرای سیاستهای تامین اجتماعی و توزیع درآمد و ثروت بمنظور رفع یا تقلیل آثار سوء ناشی از اجرای سیاستهای تعدیل و تثبیت اقتصادی در کوتاه‌مدت با میان‌مدت، مربوط می‌شود.

نتایج حاصل از این بررسی را می‌باید با قید احتیاط مورد نظر قرار داد، زیرا که عموماً در بازار ارز، انتظارات و سفته‌بازی بگونه‌ای اخلاک‌گراانه یا مثبت بخش نقش بسیار عمده‌ای در روندها ایفا می‌نماید. لذا در مجموع برای انجام برآوردی مناسب و واقع بینانه از نرخ برابری تعادلی باید شکلی از روش (۵) یعنی تحلیل بازار دارائیه‌ها را در مورد اقتصاد طراحی و پیاده نمود. در صورت عدم انجام این کار، طبعاً نقش انتظارات، سفته‌بازی مثبت و منفی و بطور کلی نقش پول بعنوان دارائی یا سرمایه، در محاسبات ملحوظ نخواهد بود. شاید بتوان گفت که در مجموع بدلیل وجود و گسترش ممنوعیت‌ها، تخصیص‌ها، و سهمیه‌بندیهای مختلف در زمینه بازرگانی خارجی و ارز، تدوین یک مدل که بتوان بر اساس آن برآوردی از یک نرخ تعادلی برای اقتصاد بدست آورد، بسیار دشوار خواهد بود. در هر صورت بحساب گرفتن

(30) Stabilizing and Destabilizing Speculation

در این زمینه به ماخذ شماره (۷) مراجعه فرماید.

منوعیت‌ها و سهمیه‌بندی‌ها در مدل‌های اقتصادی، در شرایطی که محدودیت‌ها طی دوره مورد بررسی ایجاد شده باشد، با مشکلات فراوانی همراه است.

ضمیمه

در مورد شرط مارشال-لرنر

شرط مارشال-لرنر در واقع محدوده تأثیرپذیری صادرات و واردات اقتصاد در اثر تغییر در نرخ برابری پول ملی بمنظور ترمیم وضعیت تراز بازرگانی خارجی کشور را تعیین می‌نماید. این تصور که هر گونه کاهش در برابری پول ملی موازنه بازرگانی خارجی کشور را ترمیم می‌نماید، در واقع بر این فرض قوی استوار است که کشور صادرکننده قادر خواهد بود هر میزان صادرات را در بازارهای جهانی بفروشد، مشروط بر آنکه در سطح بازارهای جهانی و قیمت‌های حاکم بر آن رقابتی عمل کند. فرض اخیر یعنی کاهش‌پذیر بودن تقاضا برای صادرات (کاهش‌پذیری بیش از واحد)، برای کشورهایی که سهم قابل توجهی از تامین کالاها یا مواد خاصی را از عرضه جهانی به خود اختصاص داده‌اند، قطعاً مصداق ندارد. در مورد این کشورها درآمدهای ارزی، مستقل از نرخ برابری پول ملی به دلار، تحت تأثیر حجم عرضه قرار دارد. اگر تقاضا برای صادرات کاهش‌ناپذیر باشد، کاهش برابری پول ملی باعث افزایش ارز و وصولی از محل صادرات و به تبع آن افزایش عرضه ارز خارجی در کشور نخواهد شد. بعبارت دیگر عرضه و تقاضا برای ارز خارجی شکل معمول ارائه شده در متن (تصویر شماره - ۱) گزارش را نخواهد داشت. لذا در مجموع دو حالت قابل تصور است:

۱- کاهش ارزش پول ملی باعث گردد که کاهش تقاضا برای دلار نسبت به کاهش عرضه دلار سرعت بیشتری داشته باشد. در واقع کاهش ارزش پول ملی در این حالت تقاضای اضافی برای ارز خارجی را کاهش می‌دهد. در این حالت سیاست کاهش ارزش پول ملی یک سیاست موثر در ترمیم و بهبود موازنه بازرگانی خارجی کشور خواهد بود.

۲- اگر کاهش ارزش پول ملی در متن یا شرایطی انجام شود که کاهش‌ناپذیری تقاضا برای واردات زیاد باشد، کاهش تقاضای ایجاد شده برای دلار کمتر (با سرعت کمتری صورت می‌گیرد) از کاهش عرضه دلار خواهد بود. لذا کاهش ارزش پول ملی موازنه بازرگانی

خارجی کشور را بدتر از گذشته خواهد نمود. این حالتی است که در تجارت بین‌الملل عنوان حالت معکوس^{۳۱} بدان اطلاق شده است و منظور آن است که در چنین شرایط یا متنی کاهش پذیریهای تقاضا برای صادرات و واردات معکوس عمل می‌کنند.

اینکه سیاست کاهش ارزش پول ملی و ضمیمیت تراز بازرگانی کشور خاصی را بهبود خواهد بخشید یا خیر، نهایتاً به بحث در مورد احتمال بروز حالت معکوس بستگی دارد، یعنی کاهش پذیریهی^{۳۲} تقاضا برای صادرات و عرضه در زمینه واردات، بین کشور خاص و کشور طرف معامله با آن. مارشال و لرنر نشان داده‌اند که (برای کشورهای صنعتی و پیشرفته) شرط لازم و کافی برای تاثیربخشی سیاست کاهش ارزش پول ملی در بهبود موازنه بازرگانی خارجی کشور، یعنی اجتناب از بروز حالت معکوس، آن است که مجموع کاهش پذیریهی تقاضای کشور خاص برای واردات و کاهش پذیریهی تقاضای خارجی برای صادرات کشور خاص، بزرگتر از عدد واحد باشد. هر دو کاهش پذیریهی مورد بحث منفی هستند، اگرچه در متون مربوطه از جمله در بحث حاضر، از علامت منفی آن صرف‌نظر می‌شود.

شرط مارشال- لرنر در متون اقتصادی عمدتاً در دو زمینه مورد استناد قرار گرفته است:

۱- مورد کشور کوچک^{۳۳}؛

می‌توان براحتی در مورد اقتصاد چنین کشوری فرض نمود که تقاضای خارجی برای صادرات آن و عرضه خارجی در زمینه واردات آن کاملاً کاهش پذیر باشد. در چنین حالتی شرط لازم و کافی (شرط مارشال- لرنر) برای تاثیربخشی کاهش ارزش پول ملی، در بهبود تراز بازرگانی، آن خواهد بود که مجموع کاهش پذیریهی عرضه صادرات و تقاضا برای واردات در کشور خاص مثبت باشد. به عبارت دیگر صادرات و واردات در مقابل تغییر قیمت‌ها عکس‌العمل مناسب نشان دهند. این حالت تقریباً در کشورهای کوچک صادق است و حالت طبیعی امور تلقی می‌شود. تنها لازم است که این عکس‌العملها در مقابل تغییر قیمت بگونه‌ای باشد که سرعت افزایش تقاضا برای واردات بر عرضه صادرات (در کشور با کسری تراز بازرگانی) پیشی نگیرد. اگر چنین حالتی بروز نماید، سیاست کاهش ارزش

(31) Perverse

(32) Price elasticity

(33) Small country case

پول ملی، این روند را تغییر خواهد داد. لذا سیاست کاهش ارزش پول همیشه و همواره در مورد کشور کوچک موثر است.

۲- کشور صنعتی پیشرفته با صادرات کالاهای صنعتی و حجم تقاضای قابل توجه در بازار داخلی:

این حالت از شرط مارشال- لرنر بیش از حالت قبلی در متون اقتصادی مورد استناد قرار می‌گیرد. در حالت اخیر فرض می‌شود که عرضه صادرات (در داخل) و عرضه واردات (توسط دنیای خارج) کاملاً کشش‌پذیر هستند که تقریباً فرضهای واقع‌بینانه‌ای بنظر می‌رسد. شرط مارشال- لرنر در مورد کشورهای اخیر، در زمینه تاثیر بخشی سیاست کاهش ارزش پول برای ایجاد بهبود در تراز بازرگانی کشور، بدان تقلیل می‌یابد که حاصل جمع کشش‌پذیری تقاضا (تقاضای دنیای خارج برای صادرات کشور مورد نظر و تقاضای داخلی برای واردات) بیش از عدد واحد باشد.

منابع و مأخذ

- 1- Caves, R.E., Jones, R.W., 1973,
World Trade and Payments:
An Introduction,
Little, Browne and company, 1973.
- 2- Corbo, R, Goldstein, M.khan, M.S., 1987,
Growth-Oriented Adjustment
Programs, IMF and world Bank,
Washington, 1987.
- 3- Dornbusch, R., 1976,
Expectations and Exchange Rate Dynamics,
Journal of Political Economy, Dec.1976.
- 4- Dornbusch, R, 1973,
Devaluation, Money, and Non-traded Goods,
American Economic Review, Dec.1973.
- 5- Eckaus, R.S., Rosentein-Rodan, P.N., (ed.),
1973, Analysis of Development Process,
North-Holland Publishing Co., 1973.
- 6- Fleming, J.M., 1962,
Domestic Financial Policies Under Fixed
Floating Exchange Rates, IMF Staff Papers,
Nov.1962.
- 7- Friedman, M., 1970,
Optimum Quantity of Money and other Essays,
Aldine Publishing Co., Chicago, 1970.

- 8- Gutmann, P., 1981,
The Measurement of Terms of Trade Effects,
The Review of Income and Wealth, No.4,
Dec. 1981.
- 9- Hicks, J.R., 1959,
Essays in World Economics,
Oxford University Press, 1959.
- 10- Kenichi, O., 1989,
The purchasing Power Parity Criterion for
Stabilizing Exchange Rates,
IMF, Middle Eastern Dept.,
Working Paper, June 1989.
- 11- Khan, N.S., Montiel, P.J., 1989,
Growth-Oriented Adjustment
Programs: A Conceptual Framework,
IMF, Staff Papers, June 1989.
- 12- Kravis, I.B., Heston, A., and Summers, R.,
World Product and Income: International
Comparisons of Real Products,
Reports on Phase I, II, III, IV of
International Comparison Programme(ICP),
World Bank and United Nations Statistical
Office.
- 13- Maddison, A., Ark, B.V., 1987,
International comparisons of purchasing
Power, Real Output, and productivity in
Manufacturing: A Pilot Study for Brazil,
Mexico, and the U.S.A, 1975, International
Association for Research in Income and

- Wealth, 20th General Conference, Rome, Italy, 1987.
- 14- Mckinnon, R.I., 1970,
Portfolio Balance and International payment Adjustment, in Mundell and Swoboda(1970).
- 15- Mundell, R.A, Swoboda, A.K., (ed.), 1970,
Monetary Problems of the International Economy, University of Chicago Press,1970.
- 16- Officer, L.H., 1976,
The PPP Theory of Exchange Rates: A Review Article, IMF, Staff Papers, March 1976.
- 17- Stern, R.M., 1973,
The Balance of Payments Theory and Economic Policy, University of Michigan, 1973.
- 18- Summers, R. Heston, A., 1982,
Improved International Comparisons of Real Product and its Composition: 1950-1980, University of Pennsylvania, 1982.
- 19- Tsiang, S.C.1961,
The Role of Money in Trade Balance Stability: Synthesis of the Elasticity and Absorption Approaches, American Economic Review, Dec.1961.
- 20- Eatwell, J., Milgate, M., Newman, P., 1987,
The new Palgrave, A Dictionary of Economics.
- در دیسکیونر اقتصادی فوق‌الذکر، در ذیل عناوین بحث‌ها و اسامی افراد توضیحات مشبع و مکفی در هر زمینه وجود دارد.